

معرفی چند قبالة تاریخی

محمد علی اختری



شپوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شپوهنځي ښوونځي ښوونځي
پرتال جامع علوم انساني

در مقاله «قباله نویسی پیش از اسلام» که در شماره چهارم همین مجله چاپ شده تعداد اندکی قباله را شرح دادیم و در مقاله بعدی که در شماره ششم انتشار یافت، شرحی در پیشینه قباله نویسی و روش و شیوه آن و قالب حقوقی و اسلامی قباله بیان شد و تحولاتی را که این موضوع از جنبه خط و انشاء و زبان و اصطلاحات داشته است، مختصراً مورد بحث قرار دادیم و اشاره کردیم که برخی از قباله‌ها که ذکر آن‌ها در تاریخ آمده، متن آن‌ها باقی نمانده است. و اکنون قباله‌هایی را که متن آن‌ها موجود بوده و در دسترس قرار دارد، معرفی می‌نماییم.

در این مقاله به رعایت ترتیب تاریخی، نوع قباله و در صورت لزوم، خط و اندازه و محل تنظیم یا محل کشف آن‌ها و سایر خصوصیات دیگر قباله‌ها را معرفی کرده بر آن بوده‌ایم که قباله‌هایی را که از ده قرن اول اسلامی در دست است، معرفی می‌کنیم. زیرا قباله‌های بازمانده از این هزار سال اندک است و امکان بررسی همه آن‌ها وجود دارد، در حالی که قباله‌های بازمانده از قرن یازدهم تا قرن چهاردهم هجری فراوان و متفرق است و جمع آوری و معرفی آن‌ها نیازمند کتابی مفصل است.

مقاله حاضر در دو بخش تنظیم شده است: بخش اول، شرح قباله‌های موجود تا سال ۱۰۰۰ هـ ق. و بخش دوم معرفی کتاب‌های انتشار یافته که حاوی مجموعه‌ای از قباله‌ها است. یادآور می‌شود که در کتاب‌هایی که معرفی می‌شوند قباله‌های موجود تا سال ۱۰۰۰ هـ ق. شرح شده و قباله‌های بسیاری مربوط به قرن یازدهم به بعد نیز موجود است و کسانی که طالب هستند می‌توانند به آن کتاب‌ها مراجعه کنند. قباله‌های معرفی شده شامل قباله‌های پیدا شده در بخشی از مناطق کشور است. و نیز مناطقی از کشور بزرگ تاریخی و فرهنگی ایران قدیم،

بدون توجه به مرزهای سیاسی فعلی. بعضی از اماکن مذهبی هم که بی شک دارای مجموعه و اسناد و قباله‌هایی هستند؛ همچون اماکن استان‌های فارس - کردستان - گیلان - خراسان - سیستان و بلوچستان و اماکن واقع در کشورهای افغانستان - شبه قاره هند - ترکیه - عراق و کشورهای عربی خاورمیانه که در زمانی سرنوشت مشترکی با ایران داشته‌اند و اماکن مقدسه‌ای مانند: شاه چراغ - آستانه اشرفیه - آستانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی - عتبات عالیات در کربلا - نجف - کاظمین - سامره و غیره، در این مقاله مورد بحث ما نیستند و ما قباله‌ای که مربوط به مناطق یاد شده باشد، نیافته‌ایم و اگر در جایی موجود باشد یا منتشر شده باشد، اطلاعی از آن‌ها نداریم - امیدوارم که باکشف مجموعه اسناد و قباله‌های این اماکن و ولایات و کشورها، مجموعه قباله‌های ایران زمین هرچه بیشتر کاملتر شود.

سند شماره یک - وقف‌نامه بیمارستان، مورخ رجب ۴۵۸ ه. ق.

قباله وقف‌نامه‌ای است درباره یک باب بیمارستان که در زمان ابواسحاق ابراهیم بن نصر طمقاج بقراخان قراخانی (اواسط قرن پنجم ه. ق و یکی از امیران شاخه غربی سلسله قراخانیان) نوشته شده است و واقف هم خود او است. این وقف‌نامه به زبان فارسی است و مورخ رجب ۴۵۸ ه. ق است. این قباله و قباله دیگری را که در شماره بعداً معرفی خواهد شد «محمد خذذ» در رساله دکترای خویش، تحت عنوان (سیاست عرب در قرون وسطی) آورده است. و خانم جمیله دبیری، متن قباله‌ها را از زبان فرانسه مجدداً به فارسی ترجمه و چاپ کرده است. مقدمه‌ای از محمد خدر و کلود کوهن هم به ضمیمه قباله چاپ شده است و ملاحظات شروخی درباره وقف‌نامه بعدی به قلم باسورث (CE BOSWORTH) همراه قباله آمده است که توسط همان مترجم ترجمه شده است. (۱)

سند شماره دو - وقف‌نامه یک مدرسه، مورخ ۴۵۸ ه. ق.

این قباله وقف‌نامه‌ای از همان واقف قباله بیمارستان مورخ رجب ۴۵۸ یعنی ابواسحاق ابراهیم بن نصر طمقاج بقراخان قراخانی است به نام مدرسه طمقاج خان در شهر سمرقند که در

وقف نامه مرقوم، شرط شده است که در مدرسه یاد شده صرفاً فقه حنفی تدریس بشود. این مدرسه در کنار خود مسجد کوچکی هم داشته است. این قباله هم به زبان فارسی و مورخ سال ۴۵۸ هـ ق است و توسط خانم جمیله دبیری ترجمه شده است. یادآوری می‌شود که این قباله و قباله قبلی، ابتدا به زبان عربی ترجمه شده و در کتاب آقای محمد خدر مذکور در شماره یک، آورده شده، سپس توسط آقای «باسورث» به زبان فرانسه ترجمه شده و در منبع زیر چاپ رسیده است:

(Centrale Journal Asiatique ceevi/3-4-1967-p-p-447-453)

و بعداً توسط بانوی موصوف، خانم جمیله دبیری به فارسی ترجمه و چاپ شده است. (۲)

سند شماره سه - قباله معامله ملک، مورخ ۵۰۱ هـ ق.

«قطعه‌ای از قباله بیع زمین که شاید در اراضی ترکستان شرقی واقع بوده است. در سنوات ۱۹۰۰ الی ۱۹۰۱ میلادی در ناحیه ختن در دشت تقلا مکان، در میان اسناد و مکاتبی یافت شده که در خاک مدفون بوده و دکتر هورتله آن را به دست آورده است. این قباله به فارسی نوشته شده است و یک نیم آن از طول پوسیده و از میان رفته است.» مرحوم مجتبی مینوی تهرانی در ادامه شرح این قباله می‌نویسد: «بنده سوادى برداشته‌ام که در آن همه خصوصیات و شکل خط و نقطه‌ها را چنان تقلید کرده‌ام که می‌توان گفت در حکم عکس آن سند است. نقاطی از سند که پارگی و رفتگی داشت و نوشته آن محو شده بود، با خط خط کردن (نموده؟) شده است.» این سند فعلاً در موزه بریتانیا در لندن به شماره OR, 6410 محفوظ است. در سال ۱۹۰۳ در مجله انجمن همایونی آسیایی (JRAS) در لندن مقاله‌ای در وصف این قباله نشر داده است. نویسنده آن مقاله مجله انجمن همایونی آسیایی کوشیده بود که قباله را بخواند و آن را به حروف چاپی نقل کند و تحقیق تاریخی و جغرافیائی در باب مندرجات آن بنماید. ولی متن تحقیقات نویسنده آن مقاله در سی و سه مورد با نظر مرحوم مجتبی مینوی تطبیق نمی‌کرده است. من جمله نویسنده مقاله موصوف، تاریخ قباله را ۴۰۱ هـ ق خوانده ولی مرحوم مجتبی مینوی ۵۰۱ هـ ق خوانده است. قدیمی‌ترین قباله‌ای است که به زبان فارسی در

دست است، ولی با اطمینانی که به دقت نظر مرحوم مینوی داریم نظر او را درباره تاریخ قباله پذیرفته و تاریخ آن را سال ۵۰۱ می دانم و اینک متن خوانده شده قباله را به روایت مینوی در این جا می آوریم:

بسمه ال...

این خطی است کی نبشته آمد به مشهد این مردمان...

حسین بن سکوکوهی به حال تندرستی...

... به روستای در سکو و پنج خروار تخم زمین...

... یحیی ابن یعقوب را فروختم بهای تمام یافتم زمین...

... و دست من کوتاه شد از ملک من...

... زمین فروشنده... حد دوم جوی کلا آسیا حد سیوم...

محمود و احمد و این (؟) چهار صد بیع مسلمانان به درستی است و در اسلام...

بیرون کردم از امروز ملک یحیی گردید پس از این فرزندان...

خصومت کند آن همه زور است و بهتانست و باطل است...

بیرون آمد و از ملک خویشاوندان من بیرون آمد از...

حجت باشد به تاریخ سال بر پانصد و یک از هجرت النبوی علیه ال...

شهد بذالک زکریا بن سکوکوهی + + شهد بذالک حسن بن سکوکوهی

... شهد بذالک یعقوب بن سرکواسباش + شهد بذالک عمر بن قتلغ سبا... شهد بذالک محمود بن قتلغ

سباش... + شهد بذالک... این قتلغ... شهد بذالک یونس بن سرا.

با توجه به متن بالا، تا آن جا که لطمه به مطلب نزنند، می توان متن قباله را چنین بازسازی کرد:
این خطی است که نبشته آمد به مشهد این مردمان (که من) حسین بن سکوکوهی به حال تندرستی (و صحت عقل و اختیار قطعه زمین خود را) به روستای در سکو و پنج خروار زمین (واقع است به) یحیی ابن یعقوب را فروختم، بهای تمام یافتم زمین (به مشتری تملیک

شد) و دست من از این زمین کوتاه شد از تملک من (خارج شد حد اول به) زمین فروشنده حد دوم جوی کلا آسیا حد سیوم... (حد چهارم به زمین) محمود و احمد و این (زمین به) چهارصد... به بیع مسلمانان به درستی است و در اسلام (مقبول است و من) بیرون کردم از امروز باز ملک یحیی گردید پس از این فرزندان (من - هرکس) خصومت کند، آن همه زور است و بهتانست و باطل است و این زمین (از ملک من) بیرون آمد و از ملک خویشاوندان من بیرون آمد از... حجت باشد به تاریخ سال بر پانصد و یک از هجرة النبی علیه الصلاه و ال... (سلام). شهید بذالک زکریا بن سکوکوهی ++ شهید بذالک حسن بن سکوکوهی... شهید بذالک یعقوب بن سرکواسباش + شهید بذالک عمر بن قتلغ سبارش. شهید بذالک محمد ابن قتلغ سباش... شهید بذالک... ابن قتلغ... شهید بذالک یونس بن سرا... (۳)

سند شماره چهار - وقفنامه امیر خمار تاش بن عبدا... عمادی، ۵۰۸ ه. ق.

این وقفنامه مرکب است از پنج کتیبه به صورت گچ بری بسیار ظریف به خط ثلث و نسخ و کوفی به زبان عربی که در داخل مقصوره مسجد جامع عتیق قزوین قرار دارد و مورخ به سال ۵۰۸ ه. ق. است از دوران سلجوقیان، که به دستور امیر خمار تاش بن عبدا... عمادی حاکم وقت قزوین وقف شده است. شرح این وقفنامه و ترجمه فارسی هر پنج کتیبه با شرح اعلام جغرافیایی و تاریخی و مسائل مهم وقفنامه، توسط آقای دکتر احسان اشراقی چاپ و منتشر شده است. (۴)

سند شماره پنج - مورخ ۵۴۵ ه. ق.

این قباله از نادر قباله‌هایی است که حاکم وقت مالکیت کسی را بر دیه طیران از توابع اصفهان، به موجب فرمانی که به تقاضای مالک صادر کرده به رسمیت شناخته است. در این فرمان دستور داده شده که مالکیت متصرف را در جریده (= دفتر) ثبت کنند و به نام او دانند و فقط او را مالک شناسند. (۵)

سند شماره شش - مورخ ۵۵۰ ه. ق.

این قباله که به زبان فارسی است و به موجب آن جمعی از ثقات اصفهان در باب فروش چهل و یک سهم از هفتاد و شش سهم سرایی در هشت در اصفهان به نود دینار آن را گواهی نموده‌اند و مورخ ۵۵۰ ه. ق. است. (۶)

سند شماره هفت - مورخ ۵۵۰ ه. ق.

این قباله استشهادی است که عده‌ای گواهی داده‌اند که آسیایی نزدیک ده سنباد از رستاق التجان از کوره اصفهان با حدود معین، به انضمام سایر املاک از خانه و زمین وقف بوده و تولیت آن با شیخ سدید محمد بن عبدالرزاق ابن محمد معروف انماطی بوده است. (۷)

سند شماره هشت - مورخ ۵۶۱ ه. ق. «معاوضه»

سند مبیاعه بین زینت خاتون بنت محمود بن محمد بن ملک شاه با نجم الدین علی بن زید حسینی در خصوص فروش پنج سهم از شش سهم از یک دبه در برخوردار اصفهان و لوازم و مرافق و خانه‌ها و انبارها و خرمن‌ها و کوشک‌ها و دره‌ها و دژها و آسیاها و هرچه که قابل تملیک و تملک باشد و از خریدار به عنوان «خرنده» نام برده است. به مبلغ چهار هزار دینار زر درست اصفهانی، معروف به ارسلائی که نیم آن دو هزار دینار باشد که سه هزار دینار بابت واگذاری ملکی دیگر به فروشنده و یک هزار دینار نقد به فروشنده تسلیم شده است. (۸)

سند شماره نه - مورخ ۵۷۸ ه. ق.

این سند محضر یا استشهادی است که عده‌ای از اکابر و اعیان دین تقریباً آلی... و ابتغاء به طلب ثواب گواهی کردند که مزرعه‌ای از مزارع خوزان از اعمال اصفهان در (مورخ رمضان ۵۷۸ ه. ق) تعلق به کسی دارد و این سند به زبان فارسی است. (۹)

سند شماره ده - مورخ ۶۰۰ هـ ق.

این گواهی به زبان فارسی است و به موجب آن، حاکم وقت برای رؤسا، زعما، مشایخ و رعایای دیه طیران از توابع اصفهان نوشته است که ملکی به نام باغ کمالی را با حدود معین در مالکیت کسی شناسند که به موجب قانون ارث، از پدر مالک به او رسیده و قباله شرعی آن در مجلس شریعت مسجّل گشته و ملکیت پدرش روشن شده است. (۱۰)

سند شماره یازده - مورخ ۶۰۲ هـ ق.

قباله‌ای است که عده‌ای گواهی داده‌اند که کسی غایب مفقود الاثر شده است. چون متن آن جالب است عین متن قباله آورده می‌شود: «گواهی دهند جماعت بندگان و معتمدان که اسامی خویش را در آخر این محضر ثبت کرده‌اند حسب الله تعالی و طلباً للثواب الجزیل وهرباً من العقاب الالیم که فلان بن فلان در منتصف شوال سنه اثنین و سته مائة (۹) غایبند از شهر اصفهان، غیبت مستمر و زن خویش به جای گذاشت، فلان بنت فلان در حباله عصمت و نکاح خویش و هیچ بوی نگذاشت از نفقات نه از غله و نه از زر و نه از سیم و نه از اقمشه و نه چیزی که قیمت آن یک حبه باشد و او را بی برگ و بی نفقت بگذاشت و این زن در مدت غیبت او قرض کرد و انفاق کرد بر خویشتن و صرف کرد به آن جامه خویش و اکنون واجب او را و لازم که از مدت غیبت باز آنچ (آنچه) بروی جمع شده است از قرض، ادا کند... شهدوا الایما علموا و ماکانوا للغیب حافظین و کتب ذالک فی تاریخ المورخ فی ۶۰۲. (۱۱)

سند شماره دوازده - مورخ ۷۰۳ هـ ق. وقف‌نامه

این قباله، وقف‌نامه‌ای است برای سه دیه کاشان (بیدگل، هراسکان، مختص آباد) که در شهر کاشان به دست آمده است. مالک آن سند میرابی به نام سید حسین از محله سلطان میر احمد دور شهر کاشان است. آن شخص به سید خلیل اله فقیه از علمای محترم کاشان گفته است که در هنگام تخریب خانه خود قباله را در داخل یک محفظه آهنی یافته است این قباله به زبان عربی است ولی در تسجیلات آن که در حواشی قید شده، بعضی از گواهان به زبان فارسی

شهادت داده‌اند. تاریخ وقف‌نامه رمضان ۷۰۳ ه. ق. است در عهد پادشاهی غازان خان (متوفی ۷۳۰) و بعضی از رجال آن عهد همچون خواجه رشید بن فضل الله همدانی و تاج الدین علیشاه، صحت وقف‌نامه را شهادت داده‌اند. این وقف‌نامه به صورت طومار و در نه قطعه به هم چسبیده است به اندازه‌های دویست و نود در صد و هشتاد سانتی متر است و این نسخه سوادى از نسخه اصلی است که ۲۳ تن مطابقت سواد را با اصل گواهی کرده‌اند. این قبالة به زبان عربی است ولی متأسفانه قسمتی از آن از میان رفته و به چاپ رسیده است ولی تصویر آن منتشر نگردیده است. (۱۲)

سند شماره سیزده - مورخ ۷۰۳ ه. ق. وقف‌نامه موسوم به جامع الخیرات

این وقف‌نامه به قول مرحوم علی محمد وزیری، دانشمند یزدی و بنانی کتابخانه عمومی وزیری که اینک وقف آستان قدس است، در شش فرسخی یزد در لای دیواری هنگام ساختمان داخل یک کوزه سفالی که پیدا شده است. و به خط عربی روی کاغذ نیم ورقی نوشته شده. تاریخ وقف‌نامه ۷۰۳ ه. ق است و واقف آن سید رکن الدین ابوالمکارم محمد قاضی حسینی یزدی صاحب موقوفات بسیار در یزد است. به انضمام صورت وقف‌نامه‌های دیگری که توسط فرزندش سید شمس الدین محمد وقف نموده است در کتابی به نام جامع الخیرات گردآوری شده. سواد اصلی آن در اختیار آقای مکیان و عکسی از آن به شماره ۶۷۲۴ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. این وقف‌نامه جامع الخیرات یک بار از روی دست خط مرحوم علی محمد وزیری که از روی نسخه اصلی نوشته بودند چاپ شده و سپس با اصل نسخه تطبیق شده و مجدداً چاپ شده است. این قبالة نیز به زبان عربی است. (۱۳)

سند شماره چهارده - مورخ ۷۰۴ ه. ق مطابق ۱۳۰۵ میلادی وقف‌نامه

قبالة وقف‌نامه کلیسای کورک در جزیره لیم دریاچه وان است. این قبالة وقف‌نامه مربوط به موقوفات یک کلیسا و به زبان عربی است و تاریخ آن ماه شعبان ۷۰۴ ه. ق است که به تأیید

شش نفر شاهد هم رسیده است که در پایان وقف‌نامه، نام خود را نوشته‌اند و در صدر آن هفت نفر صحت آن را تأیید کرده‌اند. چاپ حروفی متن و عکس قباله مزبور با ترجمه روسی و ارمنی آن با شرح لغات و اعلام چاپ و منتشر شده است. اصل آن در موزه ماتناداران موجود است. واقف آن مرد خیری به نام زکریا کتاغکوس بن سیفدین بن گورجی بیگ عسرونی که جهت کنیسه لیم از توابع آموک دریاچه وان وقف نموده است و تصدیق کنندگان آن اشخاصی به نامهای حافظ الدین عبدالمجید بن یوسف الخویی، احمد قاضی وان و جلال الدین بن حسن بن علی الهمدانی و شجاع بن محمد قاضی وان -خلیل بن عمر حسن بن عمر، خضر بن الیاس و یوسف بن الله ویردی و عمر بن قلندر و حسن بن ولی می‌باشند که وقف‌نامه را تسجیل نمودند. (۱۴)

سند شماره پانزده - مورخ ۷۰۴ هـ ق. وقف‌نامه ده نمک

ده نمک از آبادی‌های گرمسار است و در چهل کیلومتری آن. این دهکده تماماً وقف بوده، وقف‌نامه مربوطه از دیدگاه مکتب شیعه نگاشته شده و کاتبش علاء الدوله سمنانی، عارف بزرگ ایرانی. واقف آن شخصی به نام غفاری است. تاریخ وقف ۷۰۴ هـ ق است و این موضوع می‌رساند که در آن زمان مذهب شیعه در ایران رواج داشته است. نام واقف بابویه و نسب او کاکوئی و نام خانوادگی اش غفاری بوده است. اصل وقف‌نامه در خانواده مرحوم حاج علی نقی کاشانی بوده است. سواد وقف‌نامه توسط حاج میرزا زمان خان، عموی فرخ خان امین الدوله تهیه شده و فعلاً جزء اسناد معاون الدوله غفاری است. این وقف‌نامه به زبان فارسی روان انشاء شده است و با اجازه آقای معاون الدوله غفاری و با شرح آقای حسین محبوبی اردکانی منتشر شده است. این وقف‌نامه جهت مسجدی بوده که در کنار قلعه متعلق به واقف قرار داشته است. (۱۵)

سند شماره شانزده - مورخ ۷۰۹ ه. ق. وقف نامه ربع رشیدی

این وقف نامه یکی از اسناد بسیار مهم و تاریخی ایران اسلامی است. واقف آن خواجه رشید الدین فضل الله همدانی، وزیر غازان خان است. قسمتی از وقف نامه به خط خود واقف و بقیه وقف نامه به خط حاکم شرع تبریز نوشته شده است و به موجب آن عایدی املاک واقف در تبریز و یزد و بسیاری جاهای دیگر، جهت پرداخت هزینه های نگهداری مؤسساتی همچون مدرسه، بیمارستان، دارالایتم و سایر مؤسسات عام المنفعه در نظر گرفته شده است. نسخه اصل این وقف نامه در اختیار یکی از خانواده های تبریزی به نام خانواده سراج بوده و انجمن آثار ملی سابق آن را خریداری و چاپ و منتشر کرده است. مضمون وقف نامه ۳ قسمت دارد: یکی قسمتی از وقف نامه که به خط خود خواجه رشید الدین فضل الله همدانی در فایده وقف و خیرات و مبرات است. قسمت دوم شامل سجلات علمای وقت و تصدیق صحت وقف است. قسمت سوم شامل متن اصلی وقف نامه است که به موجب آن، واقف مقدار فراوانی املاک و مستغلات را در آذربایجان و یزد وقف کرده است و تاریخ وقف غره ربیع الاول سال ۷۰۹ ه. ق است و زبان آن فارسی است. به لحاظ اهمیتی که این سند تاریخی داشته یک بار چاپ عکسی آن از طرف انجمن آثار ملی سابق منتشر شده و بعد در سال ۲۵۳۶ (۱۳۵۶) چاپ حروفی آن به قطع اصلی به کوشش مرحوم مجتبی مینوی و دانشمند کتاب شناس، آقای ایرج افشار توسط همان انجمن چاپ و منتشر شده است. در قسمت مربوط به تبریز، آقای عبدالعلی کارنگ هم همکاری نموده است. نسخه خطی دیگری از این وقف نامه در کتابخانه ملی ملک محفوظ است که خط آن جدیدتر است. این وقف نامه به صورت کتابی مستقل دارای سه باب که باب اول در تفصیل موقوف باب دوم در ذکر موقوفات باب سوم در بیان حاصل درآمد موقوفات بر مصارف معین چاپ و منتشر شده است. (۱۶)

اکنون که مختصر اشاره ای به اهمیت «وقف نامه ربع رشیدی» شد، برای آگاهی بیشتر همکاران گرانمایه از این سند ارزنده و بی نظیر، دو بخش از آن یعنی بخش آغازین وقف نامه و نیز چند نمونه از سجلاتش را ذیلاً می آوریم:

مقدمه متن وقفیه

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد و ثنا و رای اعداد حصی و شکر و سپاس فزون از حصر و احصا سزاوار حضرت عزت پروردگار تواند بود که ذات پاک او به موجب آیت «لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار» از نطاق ادراک بصایر و ابصار بیرون است. و صفات بی نظیر او به قلم «احصی ثناء علیک انت اثنت علی نفسک» از فهم و وهم ضمایر و افکار مستور و مکنون و مکنونات عالم و بنین و بنات آدم مسخر مشیت و ارادت او که «انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون» و خیرات مؤمنان به لطف و بنده نوازی با وجود بی نیازی در حضرت او به شرف قبول مقرون «فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قره اعین جزاء بما کانوا یعملون».

و صلوات صلوات نامیه و نخبات تحیات زاکیه از حضرت احدیت حق جلّ و علا و مقیمان سماوات علی و مجاوران اجرام سفلی به جناب جنات مآب آن خاتم رسل و هادی سبیل قدوه انبیا و صفوة اصفیا، محمد مصطفی و رسول مجتبی و آل اصحاب و خاندان او فزون از اعداد قطرات باران و ذرات ریگ بیابان باد. و سلم تسلیماً کثیراً.

اما بعد چنین می گوید اضعف عبادالله و احوجهم الی رحمة ربه فضل الله بن ابی المیزان ابن عالی الهمدانی المشتهر به رشید الطیب امتن الله علیه باینا(؟) آماله و اعطا افضاله که چون خواست که به خط و عبادت و فکر و اندیشه خود از سراقان و اعتقاد و نیت تمام وقفیه نویسد مشتمل بر شروط مرتبه تا من بعد متولیان بدان کار کنند و از او یادگار ماند بیشتر اسباب داعیه او بدان و بعضی از احوال آن و ایراد و اعتراض مردم بر وقف و خاصیت و فایده وقف بیان کرد و فصلی مشیع،...

... و برخی از سجلات وقفیه.

○ و ما توفیقی الا بالله

الحمد لله علی نعمائه و الشکر له علی آلائه و الصلوة علی رسوله محمد و آله.

اما بعد فقد ثبت مضمون هذه الوقیة المباركة بالانهاء(؟) الصادر عن مخدومی(؟) اخی مد ظله و

انى بعد رعاية الوظائف الشرعية (كذا) الفراء(؟) والملة الحنفية الزهراء، حكمت بصحته الوقفيه من اولها الى آخرها و نقتها و قضيتها مسؤولاً مشهداً عليه العدول. كتبه ابن فضل الله مسعود العبيدى فى الثامن من رمضان سنة خمس و ثمانين و سبعمائه.

هو المستعان. ثبت مضمون هذه الوقفيه الشرعية المباركة عندى بالانهاء المعته شرعاً و انى بعد رعاية ما يجب رعايته، حكمت بصحته جميع ذلك و امضيته مشهداً عليه عدولاً كتبه الواثق بالصمد محمد بن اسلام حامداً لله.

هو المستعان، ثبت مضمون هذه الوقفيه من اوله الى آخره و صح لدى و واضح بين يدي بشهادة جمع من العدول الثقات و انى بعد رعاية ما يجب رعايته شرعاً حكمت بصحته مسؤولاً. حرره العبد المذنب الراجى الى عفو الله و غفرانه عبد الله بن محمد بن على العمري احسن الله احواله فى العاشر من ربيع الثانى لسنة خمسین و سبعمائه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی